

یک شانه گل برنامه شماره ۲۷۶ (لیلی و مجنون) عبدالوهاب شهیدی، مایه، ابو عطا، دشتی، چهارگاه

کوینده خانم ازادیو:

یک شانه گل برنامه شماره ۲۷۶

آذرپروش:

به بخامی که پدر مجنون از عشق سوزان فرزند نسبت به لیلی اطلاع یافت، سر به نصیحت برداشت
به امید این که شاید با دلیل و کفایتی استوار بر منطق فرزند را از شوریدگی، پهنودی و آوارگی
برماند.

استاد احمد عبادی نغماتی در مایه بر یادگاری نوازد.

دکلمه:

زنده نشدی بدین قیامت	دلسرد گشتی از ملامت
کاب من و سنگ خویش بردی	بس کن هوسی که پیش بردی
آن به که بگویی آبن سرد	بنشین وز دل رها کن این درد

استاد عبادی بچنان به سلونوازی ادامه می دهد.

تو جامه دی و من درم جان	تورود زنی و من زخم ران
دل سوخت ترا مرا جگر سوخت	عشق از تو آتشی بر افروخت
کونوردت به سال نماید	دل را به کسی چه بایدت داد
رسوایی کار تو بچیند	گر با تو حدیث او بگویند

پدر چون از بند و اندرز سودی ندید و فرزند را هر روز دیوانه تر یافت او را به زیارت کعبه برد تا مجنون آن چاه پر به خاک سایه و به پنجم سجود روی دل به جانب معشوق میلنگد و از ذات واجب الوجود ربانی از بند عشق لیلی بخوابد.

کویارب ازین کزائف کاری	توفیق دهم به رستگاری
رحمت کن و در پناهم آور	زین میسختگی به راهم آور
دیاب که بتلای عشقم	و آزاد کن از بلای عشقم

استاد حسن کسایی از ابتدای دگرگونی نغماتی در شور و ابو عظامی نوازود.

اما چون به دعای مجنون و تضرع او گوش فراداد بیانی شنید که نظامی کنجوی در دفتر لیلی و مجنون چنین توصیف نموده است.

(یارب به خدای خدائیت) ۲	وانگه به کمال کبریا نیت
کز عشق به غایتی رسانم	کو ماند اگر چه من مانم
از چشمه عشق ده مرا نور	زین سرمه مکن ز چشم من دور
کویند که خوز عشق واکن	لیلی طلبی ز دل رها کن
گر چه ز شراب عشق مستم	عاشق تر از این کنم که مستم

استاد حسن کسایی بچنان به نوازندگی در ابو عطا ادامه می دهد.

یارب تو مرا به روی لیلی	هر لحظه بده زیاده میلی
از عمر من آنچه هست بر جای	بستان و به عمر لیلی افزای

استاد کسایی بچنان ادامه می دهد.

ثابت ایامی:

در همین اوان نفل که از حال مجنون در میان آگاه شده بخاطر آن دلدادۀ دیوانه به خواستگاری
لیلی می‌رود ولی با وجود جنک با قبیلۀ لیلی خواستگارش برای مجنون به ثمر نمی‌رسد و پدر
لیلی بدون توجه به میل فرزند وی را اجباراً به عقد ابن سلام در می‌آورد. چون خبر این ازدواج
به مجنون می‌رسد بادیۀ نشین سرکشۀ در عالم خیال لیلی را مخاطب ساخته و کمون دل خستۀ را
بدین نحو بکوش جان لیلی می‌رساند.

آذر پوش:

عهدی به خزار عمده بستن	کو آن دود و بهم نشستن
دادم به وفا امیدواری	دعوی کردن به دوستاری

آقای جلیل شهنار نغاتی در دشتی به یادگاری نوازند.

رخ بی کنی ز من نهضت	امروز به ترک عهد کشتن
آن دعوی دوستی کجاشد	کیرم دلت از سر وفاشد

آقای جلیل شهنار بچنان ادامه می‌دهد.

کار تو همه زبان فروشی	من با تو بکار جان فروشی
تو مهر کس دگر گزیده	من مهر ترا بجان خریده

آقای شهنار نغاتی جدید می‌نوازند.

کز یار قدیم ناوری یاد	بیار نو آشنان شدی شاد
بگذاشتی آخرم به خواری	برداشتی اولم به یاری
هرگز به تو این مکان نبردم	آنروز که دل به تو سپردم

آقای جلیل شهنواز بچنان می نوازد.

(کردی دل خود به دیکری گرم) ۲
از دیده من نیکدست شرم

استاد جلیل شهنواز بچنان می نوازد.

(کیرم که مراد دیده بستند) ۲
آخردگران نظاره بستند
بیداد تو گرچه عمر گاه است) ۲
زیبایی چهره عذر خواه است
چون عمده عهد باز جویند
جز عهد شکن ترا چه گویند

در این بخش استاد رضا ورزنده و استاد ناصر اقتراح نغماتی در سه گاه به یادگاری می نوازند.

کیرم دلت از ره وفا شد
آن دعوی دوستی کجاشد
من مهر ترا به جان خریده
تو مهر کس دگر گزیده

آقایان ورزنده و امیر ناصر اقتراح بچنان به قطعاتی ضربی و دلنشین ادامه می دهند.

من مهر ترا به جان خریده
تو مهر کس دگر گزیده
بیار نو آشنان شدی شاد
کز یار قدیم ناوری یاد
(شدر سرداغ تو جوانیم) ۲
آوخ همه رنج باغبانیم

استاد پرویز یاحقی نغماتی را در چهار گاه آغاز می کند.

آواز عبدالوهاب شهیدی:
(کو آن دو بدو بهم نشستن) ۲
سهر بر خط عاشقی نهادن
کو آن به وصال امید دادن

دعوی کردن به دوستاری
 امروزه ترک عهد کفتن

دادن به وفا امیدواری
 (رخ بی کنسی زمن نهستن) ۲

از اینجا آقای شهیدی به شکل تصنیف خوانده.

کیرم دلت از ره وفا شد
 من با تو بکار جان فروشی

آن دعوی دوستی کجا شد
 کار تو همه زبان فروشی

من مهر ترا بجان خریدم
 تو مهر کس دگر گزیده

(بیار نوا سخنان شدی شاد) ۲
 (کز یار قدیم ناوری یاد) ۲

آذر پوش:

بیار نوا سخنان شدی شاد
 برداشتی اولم به یاری

کزیار قدیم ناوری یاد
 (شد در سرداغ تو جوانیم) ۲

آخ همه رنج باغبانیم
 هرگز به تو این مکان نبردم

بگذاشتی آخرم به خاری
 (آنروز که دل به تو سپردم)

هرگز به تو این مکان نبردم
 (آنروز که دل به تو سپردم)

استاد پرویزیان حتی مجدد اقطاعی را در چهار گاه به یادگاری نوازد.

ادامه آواز عبدالوهاب شهیدی:

آخ، آخ همه رنج باغبانیم
 هرگز به تو این مکان نبردم

(شد در سرداغ تو جوانیم) ۲
 (آنروز که دل به تو سپردم) ۲

هرگز به تو این مکان نبردم
 (آنروز که دل به تو سپردم)

آذر پوش:

کردی دل خود به دیگری گرم
 از دیده من نیندت شرم

تصنیف ضربی عبدالوہاب شہیدی:

کردی دل خود بہ دیکری کرم	وزیدہ من نیدت شرم
چون عمدہ عمدہ باز جویند	بز عمد شکن (تراچہ کویند) ۲
گل تا شکست عمد گھزار	(شکست زمانہ در دوش خار) ۲
چون عمدہ عمدہ باز جویند	بز عمد شکن (تراچہ کویند) ۲

آذرپروش:

چون عمدہ عمدہ باز جویند	بز عمد شکن تراچہ کویند
-------------------------	------------------------

اساتید رشا و رزندہ و ناصر افتتاح لغاتی ضربی اجرامی نمایند.

دکلمہ:

(بیدار تو کرچہ عمر گاہ است) ۲	زیبایی چہرہ عذر خواہ است
چون عمدہ عمدہ باز جویند	بز عمد شکن (تراچہ کویند) ۲

کویندہ خانم از رادیو:

شاخہ کلی کہ نارسد شمارہ ۲۷۶ بود کہ با شرکت بہ ترتیب آقایان عبادی، کسایی، جلیل شہناز و رزندہ، پروزیاحتی و ناصر افتتاح با آواز آقای عبدالوہاب شہیدی در استودی کلمہ تنظیم کردیدہ آہنگ نیز بہ ترتیب ماہور، ابو عطا، دشتی و چہار گاہ. اشعار برنامہ از نظامی کنجوی، کویندگان آذرپروش و نورالدین ثابت ایمانی.

مدت اجرامی برنامہ ۴۲ دقیقہ و ۴۶ ثانیہ است.

توضیحات:

برنامه ای که تقدیم صاحب‌دلان شد با شماره ۲۷۶ شاخه گل به ثبت رسیده، از نظر اشعار و نوع برنامه شبانهت زیادی با شاخه گل‌های شماره ۲۷۹ و ۲۸۷ دارد.

این برنامه دلنشین و زیبا متأسفانه دارای نسخ تحریف شده و ناقص بوده که نگارنده ۱۲ سال قبل ابتدا نسخه‌ای نامطلوب و ناقص از آن بدست آوردم که مجبور بودم آن را بنویسم ولی از این که برنامه ناقص است رنج می‌بردم، بعد از گذشت ۵ سال نسخه‌ای بهتر ولی باز هم ناقص به گونه‌ای دیگر بدست آمد که برخی از نواقص اصلاح شد ولی برنامه هنوز حدود ۲۸ دقیقه بود و بخشی از

ابتدای برنامه و بخشی از اواسط برنامه توسط افراد نا آگاه تخریب شده بود، چون به هیئت برنامه آشنا بودم و نواقص را شناسایی کرده بودم در توضیحات برنامه شرح آن را نوشتم ولی بچنان پی‌گیر فیه بودم تا از طریق یکی برنامه کامل آن را بدست آورم، خلاصه بعد از تلاش‌های گوناگون و تماس‌های مختلف از طریق اینترنت با جوان علاقه‌مندی به موسیقی گل‌ها به نام آقای علی شیرینی آشنا شدم که در شهرستان اسدآباد در استان همدان زندگی می‌کرد و ایشان به من گفت که برنامه موجود ایشان حدود ۴۲ دقیقه است و این بود که متوجه شدم این نسخه باید کامل باشد و خلاصه با عنایت این دوست گرامی وضعیت برنامه بازنگری شد و تمام نکات مجهول آن که بیشتر در رابط با ابتدای برنامه و سلونوازی آقای عبادی و اجرای آقای ورزنده در میان برنامه بود اصلاح گردید. ضمناً نگارنده در انتهای معرفی‌جهت تکمیل معرفی‌نام نظامی کنجی و گویندگان برنامه را که در معرفی از قلم افتاده بود افزودم ضمناً اشعار نظامی که در کلمه شده در برخی مواقع با آنچه در دیوانش دیده می‌شود فرق دارد و این مطلب مربوط به تغییرات را دیو بوده و شاید گوینده آن را به اشتباه چنین گفته باشد برای مثال این بیت در دیوان چنین آمده.

دل سیرگشتی از ملامت زنده نشدی بدین قیامت

در حالی که گوینده بجای دل سیر (دلسرد) بیان کرده. و نیز این بیت که در دیوان چنین آمده

چون عمده عهده‌باز جویند جز عهده‌سکن ترا چه گویند

ولی به نظرمی رسد که گوینده چنین دکلمه کرده است.

چون عمده عهده‌باز جویم جز عهده‌سکن ترا چه گویم

توجه: کلیه مطالب مندرج در بالا توسط محقق محترم جناب استاد علیرضا دربندی تهیه شده که شامل بررسی کامل برنامه و توضیحات افزوده شده شخص ایشان می‌باشد. جای دارد که سپاس فراوانمان را نثار ایشان بنماییم زیرا که نتیجه سالها زحمات خویش را وقف عموم کرده اند. در خاتمه از دوستانی که جهت تصحیح و تکمیل این مطالب مایل به همکاری هستند تقاضامندم از طریق آدرس ایمیل Asheghane1golha@gmail.com با ایشان تماس حاصل نمایند.

مسعود نوین فرحبخش